

**اسپانیا:** هرساله در محل سفارت جمهوری اسلامی ایران در مادرید برنامه‌های عزاداری و سوگواری محرم با قرانت هر روزه زیارت عاشورا و سپس سخنرانی، نوحه‌سرایی و مرثیه‌خوانی در شب تاسوعا و ظهر عاشورا برگزار می‌گردد. جمعیت «اهل بیت» که پیش از ۱۵ سال در مادرید فعالیت‌های مذهبی داشته و برنامه‌های مذهبی و مناسبت‌های شیعی در آن محل برگزار می‌شود توسط شیعیان عراقی مدیریت می‌شود.

## به سراغ تعدادی از فعالان فرهنگی خارج از ایران رفته‌ایم تااز تجربیات خود در اشاعه فرهنگ حسینی برای مان بگویند

# پرچم شاه کربلا بالا است

عالم محضر نور سیدالشهداست و بنابر احادیث بسیاری محبت شاه شهیدان در فطرت تمام موجودات عالم نهادهینه شده است.از این منظر نقش کار فرهنگی و ترویجی، تنهاشعله‌ور کردن این آتش زیر خاکستر وجود آدمی است. آتشی که بنابر فرمایش پیامبر اکرم (ص) هرگز سرد نخواهد شد. در چهار گوشه جهان کسانی هستند که تمام هم و غم خود را صرف این کرده‌اند که این آتش خفته در نهاد انسان‌ها را بیدار کنند. از وقوع انقلاب اسلامی تا امروز، ایرانیان ساکن در خارج از ایران تلاش بسیاری برای برافراشتن پرچم «یا الثارات الحسین» در جهان کرده‌اند. بعضی از این ایرانی‌ها در آن کشور خارجی سمت و مسؤولیت خاصی داشته‌اند برای مثال سفیر یا رایزن فرهنگی بوده‌اند و این نقش ترویجی بخشی از وظیفه شغلی‌شان به شمار می‌آمده است. اما برخی دیگر تنها بنابر وظیفه شرعی و دینی که بر گردن خود از سیدالشهدا (ع) احساس می‌کنند، دست به اشاعه فرهنگ حسینی زده‌اند. این دسته دوم اتفاقا موفق‌تر هم بوده‌اند و بهتر توانسته‌اند ذکر حسین حسین را در جهان طنین‌انداز کنند. به سراغ تعدادی از ایرانیانی رفته‌ایم که حداقل يك محرم را در خارج از ایران درك کرده‌اند و از فعالیت‌هایشان در راستای اشاعه فرهنگ عاشورا در آن اقلیم پرسیده‌ایم.

پیمان طالبی

ادبیات و هنر



سیدعلی سقاییان

سفیر سابق ایران در برزیل

با فرارسیدن نسیم ماه محرم، بوی عطر حسینی شعله بر قلب محبین و مشتاقان به آن حضرت می‌زند و فارغ از هر دین و مذهبی در هر نقطه از زمین خاکی آنها را به محافل عزاداری می‌کشانند. کشور برزیل هم با بیش از ۲۲۰ میلیون نفر از این قاعده مستثنی نیست و با آغاز محرم مساجد و مراکز اسلامی سیاه‌پوش آماده پذیرایی از عزاداران حسینی می‌شوند. از میان مساجد و حسینیه‌های فعال در برزیل مسجد محمد رسول... (ص) در شهر سائوپائولو و حسینیه امام خمینی در فاز دوایگواسو و مسجد امام علی (ع) در کوریتیبیا را نام برد.

با عنایت الهی و لطف اهل بیت (ع) و همکاری خیرین و پشتیبانی مرکز بین‌المللی المرتضی در پنج سال اخیر با تاسیس مرکز امام علی (ع) در شهر گویانیا علاوه‌بر مکانی برای در آغوش کشیدن عاشقان حسینی در ایالت گویاس زمینه فعالیت بیشتر را در سه مسجد دیگر با حضور روحانیون مسلط به زبان پرتغالی که می‌توانند رابطه خوبی با جوانان مسلمان و بومیان برزیل بگیرد را فراهم کرد. عشق به امام حسین (ع) شیعیان و برادران اهل سنت و مسیحی را از کشورهای لبنان سوریه عراق و برزیل را دور هم جمع می‌کند و در این ایام به اقامه عزای حسینی می‌پردازند.

از برکات برگزاری عزاداری‌ها آشنا شدن بیش از پیش مسلمانان به‌خصوص جوانان با اهداف امام حسین (ع) در قیام خونین کربلا و انگیزه برای غیرمسلمانان منطقه برای آشنایی بیشتر با اسلام و حضور گروهی برزیلی در سه سال متوالی متشکل از مسیحی و مسلمان در راهپیمایی اربعین را می‌توان نام برد.

امسال متأسفانه به خاطر شرایط خاص (شیوع ویروس کرونا) در برزیل برنامه عزاداری در مساجد و مرکز معلق شد و برنامه‌ها به صورت مجازی از طریق دو صفحه A bela crenca و صفحه muculmanos.br در اینستاگرام، فیسبوک و یوتیوب برگزار می‌شود.



نیلوفر حسن زاده

مترجم ایرانی ساکن ایتالیا

صفحه فیسبوک را باز می‌کنم. يك پیام جدید دارم. «سلام! دلم برایت تنگ شده. وقت حسین نزدیک است؟» روی نام فرستنده پیام کلیک می‌کنم و عکس آنجلا باز می‌شود. دوست و هم‌دانشگاهی قدیمی، کسی که از گذشته من به لحظه حال سفر کرده و پس از مدت‌ها برایم پیامی فرستاده است. پیام آنجلا دست مرا می‌گیرد و به ده سال پیش می‌برد، به محرم و صفر سال ۸۹ شمسی. زمانی که من ساکن شهر کوچکی در نیمکره جنوبی زمین بودم. در آن دنیای وارونه که بهار و پاییزش با سرزمین من متفاوت است، ماه‌های قمری می‌آمدند و می‌رفتند و من در حسرت يك جمع ساده و کوچک، نوای گرم روضه یا يك قاشق غذای نذری می‌سوختم. همان وقت‌ها که گل سرسید وسایل ارتباط جمعی اینترنت دیال‌آپ و کارت تلفن تماس با خارج از کشور بود، به مادرم زنگ زدم و گفتم می‌خواهم برای روز عاشورا قیمه نذری بپزم. تازه ازدواج کرده بودم و مهارت آشپزی‌ام در حد خورش‌های آب و دان جدا، ته‌دیگ‌های سوخته و برنج‌های کمی سفت یا بیش از حد شفته بود.

اسباب آشپزی درست و حسابی هم نداشتیم. اما دلم می‌خواست برای جبران غربتی که از آن رنج می‌بردم، برای غریب دشت کربلا قدمی بردارم. شهر کوچک ما در استرالیا قدر انگشتان دو دست ایرانی نداشت. همان تعداد هم برای ما کم و بیش غریبه بودند. در عوض دوست و آشنای مان خارجی‌هایی بودند که چیزی از امام حسین و واقعه عاشورا نمی‌دانستند. می‌خواستیم نذری را بین آنها پخش کنم اما فوت و فن نذری پختن را بلد نبودم. با وسواس حرف‌های مادرم را یادداشت می‌کردم. از پشت تلفن می‌گفت: حواست به گلاب باشد، کمی رد جاب سارخ کن، لپ‌ها و انرود، باید زعفران خوب رنگ باز کن! و من مشتاق و مضطرب حرف‌هایش را روی تکه‌کاغذی می‌نوشتم. شب عاشورا در آخرین تماسی که داشتیم، پیش از آن‌که صدای خانم اپراتور اعلام کند تنها يك دقیقه دیگر از اعتبار کارت تلفن باقی مانده، مادرم مهم‌ترین فوت کوزه‌گری را یادم داد: کسی که فردا نذری می‌پزد تو نیستی. انتخاب کسانی که می‌خواهی برای‌شان نذری ببری هم به عهده تو نیست. اینها همه کار حسین است. یادت باشد.

**ونزوئلا:** شیعیان بومی کاراکاس در ایام محرم و صفر به‌خصوص در دهه اول محرم، در ژای سرور و سالار شهیدان حسین بن علی(ع) در مراکز دینی و عبادی خود سوگواری می‌کنند. مرکز اسلامی کاراکاس و حسینیه الهادی معروف به حسینیه لبنانی‌ها دو مرکز شیعی شهر کاراکاس هستند که در طول سال در مناسبت‌های دینی و مذهبی، برنامه‌های متعددی از جمله برنامه‌های ویژه دهه اول محرم را برگزار می‌کنند و بدین وسیله شاعر دینی را پاس می‌دارند.

**غنا:** بنیاد جوانان شیعه آل یاسین با همکاری دیگر سازمان‌های شیعه غنا برنامه عزاداری محرم را هرساله در بهترین شکل ممکن و در سطح بالا برگزار می‌کنند. اوج برنامه‌های شیعیان غنا مربوط به روز عاشوراست که شامل حضور در خیابان و حرکت عزاداران حسینی در خیابان‌های اگر تحت عنوان مسیر، برنامه رادیویی از جمله حضور در استودیو و برگزاری برنامه زنده و همچنین حضور خبرنگاران در مراسم جهت پوشش خبری عاشورای حسینی به صورت زنده در رادیو FM لاتا (Latenu) و شبکه تلویزیونی TV Net۲ اکرا است.



تصاویری از عزاداری محرم و صفر در برزیل و ترکیه

## عزاداری در غرب



محمد مجیدی

فعال فرهنگی منچستر انگلستان

می‌شناسند، ولی منبری‌ها و مداحان این شهر می‌افتد، آن را به «قم اروپا» می‌قم اروپا صاحب حوزه علمیه نیست، و مشهور به بچه‌هایی‌های پرشور و آمار غیررسمی، بیش از ۵۰ هزار شیعه منچستر بزرگ ساکن هستند. ایر-پاکستان، ایران، عراق، لبنان و... ولی مورد مستبصران انگلیسی‌ای بنویسم اولاد امیرالمومنین (ع)، ان‌شاء... محرم در شهر منچستر حقیقتا تجرب مختصری برای شما بنویسم.

فرض کنید روز تاسوعا است. نگارند است. صبح زود بلند می‌شود در يك سر به عراقی‌ها می‌زند، و ظهر برنامه قدیمی‌ترین هیات هفتگی اروپاست می‌شود شرکت می‌کند که داستان هم يك مقاله جدی‌ام طلبد.

بعد از مراسم هیات حیدریون، نگارند از اوایل دهه ۸۰ میلادی در حال اجرا نزدیک به چهار دهه است که همه

فکرو ذکرمان ائمه است.

❖ **فکر دنیایی؟**

همیشه در رفت و آمد به عتبات هم فکرم کارکرده. آرزوم فقط خدمت به ائمه است و والسلام.

❖ **احساس احتیاج به چیزی؟**

هیچی احتیاج ندارم. عمر بده سلامتی بده پیام خادمی کنم کار کنم.

❖ **دعای همیشگی در حرم‌ها؟**

دعا می‌کنم مریض‌ها رو، اونایی که زن و زندگی ندارن، بدهی دارن. برای خودم هیچی نمی‌خوام چون همه چی دارم. اولاد صالح، خانه، همه‌چی. فقط میگم خدایا عاقبت مون رو بخیر کن.

❖ **وقت تشریف به ایوان نجف؟**

وارد میشم میگم یاعلی نوکرت اومده، خدمت اومده. (بگو یاعلی! حاج‌آقا بارها و بارها تکرار می‌کرد، بگو یاعلی) در نجف؟

صبح حرم، ناهار حرم، شام حرم.

❖ **چه جور توفیقیه این؟**

آخه طبقه بالای دارالضیافه حضرت علی (ع) رو دادن برای کارگاه رفوگری فرش‌ها.

❖ **نگاه همکارها و نیروها با شما؟**

یه جوری باهاشون کار کردم که انزم راضی اند خیلی.

❖ **یک نمونه در چندکلمه؟**

کاظمین خدمت می‌کردم بالاسر امام جواد (ع) گفتم دوساله زیارت پدرتون نرفتم. شما گفتید گوش شنوا داریم... اکبر!ا چندروز بعد که آمدم ایران زنگ زدند از لشکر ۲۷ رسول... که مشهد می‌ای؟ گفتم بله سه نفریم.

❖ **به کرامت دیگه؟**

بلبرینگ‌های دستگاه فرش شویی شکسته بود. رفتم حرم امام هادی و نرگس خانم عرض حال کردم. برگشتم کارگاه. کمی بعد دونفر رسیدن پرسیدن چرا گرفته‌ای؟ گفتم. گفتند بشین ببین ما درستش می‌کنیم تحویل میدیم. باز کردن و درست کردن. گفتم آقای امام هادی، امام عسکری، نرگس خانم دست‌تون درد نکنه.

❖ **فکرو ذکرکتان؟**

❖ **بای بسم...!**

سال ۸۲ عید بزرگ خداوند، غدیر، محسن فیضی، دوست مداح حاج غلامحسین بهش گفت: به پشتیبانی شما اسم زوار رو نوشتم بیا ببریم کربلا و حاج‌آقا به خیال دوسه اتوبوس اما می‌بینه ۵۰۰ نفر گرد اومدن و شد ۱۳ اتوبوس. فیض میگه: حاج‌آقا ناراحت نباش امام حسین کمک می‌کنه. حاج‌آقا به این مخلص گفت: ما هم به هوای کمک‌آقا رفتیم چه رفتنی. توی راه‌ها امکانات پذیرایی و... نبود. من هم گرداننده کارها بودم و همه رو می‌آوردن به من دیگه. توی حرم گفتم: آقا به خاطر تو اون همه زخم‌زبان‌ها و ناسرها رو تحمل کردم و دم ن‌زدم. به تقاضا دارم. آقا این فرشهایی که الان می‌بینم کثیف و پاره هستن اجازه بده پیام نیروو وسیله پیام اینارو ترمیم و تمیز کنم مثل این‌که قبول کرد، به موقعش البته. باید موقعش می‌رسید که رسید.

پنج حکم می‌نویسه برای بررسی و ارزیابی فرش‌های حرم‌های مطهر عتبات عالیات. نخست کربلا! اونجا متولیان به حاج‌آقا میگن از مشهد برای این کار اومدن نپذیرفتیم شون. ولی شما بفرما این شما و این میدان. بعد نجف، بعد کاظمین، سامرا و سرانجام سوریه. و همه سمعا و طاعتا. به گفته حاج‌آقا فرش‌های حرم قدسی حسینی رو ۵۰ سال نشسته بودن.

❖ **عاشقانه با خدا؟**

دائم میگم خدایا اگر عاشقم عاشق ترم کن.

❖ **عاشق.....**

میگم روز عاشورا آقا عاشق بود عاشق تر شد دیگه. زن و بچه همه تمام شد.

❖ **عزاداری کرونایی؟**

توی این وضع و اوضاع کرونایی من این عزاداری‌ها رو می‌بینم خجالت می‌کشم. همچنان میگم خدایا اگر عاشقم عاشق ترم کن.

❖ **این همه توجه ویژه به امام حسین از میان ائمه؟**

کشتی حسین سریع‌تر میره.

❖ **درودی به حضرت عباس(ع)؟**

آقا خیلی به من محبت کرده، خیلی.

❖ **شنانامه شما؟**

ما نوکر اهل بیتیم. ما نوکری می‌کنیم.

❖ **این توفیق خدمت رو چه جوری به دست آوردین؟**

از آقا امام حسین (ع) تقاضا کردم. الکی نیست.

❖ **خادم اهل بیت باید؟**